

یادداشت

زندگی دوگانه مسی



گابریل مارکوتی

ستون‌نویس تایمز

■ «مسی، اونارو ببخش. اونا نمی‌دونن دارن چیکار می‌کنن.» این دست‌نوشته‌ای بود که هواداران آرژانتین در حمایت از ستاره تیم‌شان و در واکنش به رفتار افرادی که مسی را هو کرده بودند به ورزشگاه بردند و در دیدار برابر اروگوئه آن را به همه نشان دادند. مسی هم قطعا این دست‌نوشته را دیده و خواه یا ناخواه از آن خوشش آمده است. مردی که در بارسلونا یکه‌تازی می‌کند، برایش دشوار است که ببیند ناکامی تیم‌ملی را به گردن او می‌اندازند. حتی این اواخر پله هم از او انتقاد کرده و گفته بود بازیکن بزرگ، بازیکنی است که هم در تیم باشگاهی‌اش خوب کار کند، هم در تیم‌ملی. بازی آرژانتین برابر تیم‌ملی اروگوئه باز هم این فرضیه را به وجود آورد که مسی برای تیم‌ملی مثل تیم باشگاهی‌اش بازی نمی‌کند. آرژانتین در این دیدار در ضربات پنالتی مغلوب اروگوئه شد و با بازی‌های کوبا، آمریکا وداع کرد. در این دیدار مسی خوب کار کرد و روی گل آرژانتین نقش داشت و سه موقعیت دیگر هم برای تیمش به وجود آورد اما نتیجه‌ای در بر نداشت و او و تیمش ناکام ماندند. راستی چرا مسی بارسا با مسی تیم‌ملی آرژانتین متفاوت است؟

– در طول سه‌سال اخیر مسی برای تیم بارسلونا ۱۵۵ بازی انجام داده و ۱۳۵ گل به ثمر رسانده است. این در شرایطی است که او در همین مدت برای تیم‌ملی آرژانتین ۲۱ بار به میدان رفته و فقط توانسته دو گل به ثمر برساند. در واقع اگر بازی‌های دوستانه تیم آرژانتین را فاکتور بگیریم، آخرین بازی که او برای تیم‌ملی گلزنی کرده است به سال ۲۰۰۹ برمی‌گردد. در این میسان چند تئوری برای ناکامی مسی وجود دارد. خیلی‌ها می‌گویند بازیکنانی که در کنار او در تیم‌ملی بازی می‌کنند، در حدواندازه‌های بازیکنان دور و بر او در تیم بارسا نیستند. مشکلی که این نظریه دارد، این است که مسی در سه‌سال اخیر در کنار خود زوج‌های متفاوتی داشته و با این حال موفق بوده است؛ و ابتدا با اتوو و آنری بازی کرده، سپس با آنری و ابراهیموویچ بازی کرد و در فصل اخیر هم که در کنار پدرو و ویا حضور داشت. تازه در این مدت جای او از بازیکن کناری تغییر کرده و به نوک خط حمله هم رفته است. حالا به بازیکنان کناری او در تیم‌ملی آرژانتین هم نگاهی بیندازید تا متوجه شوید که آرژانتینی‌ها در خط حمله غنی‌ترین خط را دارند و این مورد بهانه‌ای بیش نیست. پس به احتمال زیاد باید مشکل به دیگر قسمت‌های زمین برگردد؛ در بارسلونا پشت سر مسی بازیکنانی به نام ژاوی و اینیستا حاضرند و سمت راست زمین این تیم بازیکنی به نام دنی آلوس بازی می‌کند که در خط حمله یک بال ایده‌آل است و در خط دفاع هم یک بک کارگشته به حساب می‌آید. این پست درست همان چیزی است که تیم آرژانتین مدت‌ها در تمرین آن به مشکل خورده است. مشکل دیگر اینکه هر چقدر در بارسا ثبات ترکیب وجود دارد، بر عکس مربیان تیم‌ملی آرژانتین همواره در حال تغییر نفرات بوده‌اند تا سرانجام به ترکیب مورد نظرشان برسند. – سرخیو باتیستا مربی تیم‌ملی آرژانتین هم از این قاعده مستثنا نیست؛ او در بازی اول آرژانتین برابر تیم بولیوی که تیمش با نتیجه یک – یک به تساوی رسید، در خط‌میان با ماسچرانو، کلمبیسو و بانگا بازی کرد و در خط حمله هم با مثلث تیس، مسی و لائوتزی به میدان رفت و از مسی به عنوان مهاجم نوک استفاده کرد اما در بازی برابر اروگوئه که منجر به حذف آرژانتین شد، فقط ماسچرانو و مسی از آن شش نفر در ترکیب قرار داشتند و سیستم آرژانتین از ۳ – ۳ – ۱ به ۴ – ۲ – ۳ تغییر کرده بود و مسی هم به جای بازی در نوک دوباره در کنارهای زمین بازی می‌کرد.

– تئوری دیگری هم هست که هواداران آرژانتین مسی را باعث آن سرزش می‌کنند؛ تئوری اجتماعی – فرهنگی. مسی از ۱۳ سالگی به کاتالانز رفته و تقریبا نیمی از زندگی‌اش را در این ایالت گذرانده است. حالا خیلی‌ها معتقدند او دلش با تیم‌ملی آرژانتین نیست و خیلی برایش اهمیت ندارد که آرژانتین موفق باشد یا نه. این تئوری هم هر چند که بر پایه بحثی روانشناختی مطرح می‌شود اما باز هم نمی‌تواند اسباب و پایه درستی داشته باشد. البته این حرف‌ها هم دلیل نمی‌شود که هواداران اروگوئه‌ای برای اینکه روی اعصاب هواداران آرژانتینی راه بروند، شعار «مسی اسپانیایی» را سر ندهند؛ در ادامه به موردی اشاره می‌کنم که نشان می‌دهد مسی به پیراهن «آبی سلسسته» بی تفاوت نیست؛ درست است که این بازیکن تا به حال نتوانسته در غالب تیم‌ملی جام مهمی را به دست بیاورد اما نباید فراموش کرد او همان بازیکنی است که در سال ۲۰۰۵ توانسته آرژانتین را قهرمان رقابت‌های زیر ۲۰ساله‌های دنیا کند و علاوه بر عنوان آقای گلی آن تورنمنت جایزه بهترین بازیکن آن رقابت‌ها را نیز به دست بیاورد. البته مسی در سال ۲۰۰۸ هم به آرژانتین کمک کرد تا در بازی‌های المپیک پکن قهرمان شود. از اینها گذشته مسی در ماه اخیر، تازه ۲۴ساله شد. فراموش نکنیم که به غیر از پله، اسطوره‌های کمی بوده‌اند که نتوانسته‌اند در این سن به افتخارات بزرگی در تیم‌ملی‌شان دست پیدا کنند. – مسی مشکل این روزهای تیم‌ملی آرژانتین نیست، بلکه مهره‌ای است که می‌توان با استناد به آن، راه‌حلی برای مشکلات آرژانتین پیدا کرد.

قهرمانان دنیای ورزش برخلاف آنچه تصور می‌شود چندان زندگی راحت و بی‌ذغدغهای نداشته‌اند. بسیاری از آنها دوران کودکی فقیرانه‌ای را سپری کرده‌اند و بعضی‌ها هم با معجزه از مرگ گریخته‌اند. تعداد گروه دوم چندان کم هم نیست و همگی از ورزشکاران نامی هستند. بعضی از آنها پیش از شروع دوران حرفه‌ای‌شان با بیماری‌های سخت مبارزه کرده‌اند و برخی هم در میانه راه به مشکل خورده‌اند. در مطلب امروز به معرفی قهرمانانی می‌پردازیم که با مرگ دست و پنجه نرم کرده یا بر بیماری لاعلاج‌شان غلبه کرده‌اند.

۱- لیونل مسی: مشکلات رشد

دهه پیش، یعنی زمانی که مسی ۱۱ساله بود، قدش فقط یکمتر و ۱۱ سانتی‌متر بود. او می‌دانست که فوتبالیستی با این قد و قامت هرگز نمی‌تواند در دنیای فوتبال به جایگاه بزرگی برسد. پزشکان به والدین «پولگا» (کک) توصیه کردند تا هورمون رشد به پسرشان تزریق کنند. این تنها راهی بود که امکان داشت قد لئو چند سانتی‌متر بلندتر شود. متأسفانه خانواده او نمی‌توانستند هزینه این درمان را که در آن برهه نزدیک به ۵۰۰پورو در هر ماه می‌شد، پرداخت کنند. از همین‌رو، خرخه مسی، پدر لیونل مسی تصمیم گرفت تا نزد سران تیم نیویورکالدویز برود و از آنها کمک بگیرد. مسی پدر و پسر، هر دو در باشگاه روزاریو بازی می‌کردند. رییس آن باشگاه در آن برهه قول‌هایی داد که هرگز عملی نشد. خرخه مسی که از توانایی پسرش آگاه بود، آرژانتین را به مقصد اروپا ترک کرد تا بتواند باشگاهی برای پسرش پیدا کند به این امید که هزینه درمانش را تأمین کند. خانواده‌مسی به بارسلونا جایی که عموهایشان زندگی می‌کردند، رفتند. مسی در ۱۳سالگی در مرکز آموزشی بارسا –لاماسیا- تست داد. کارلوس کرسچاک، مسئول

رده سنی جوانان بارسا به محض اینکه بازی لئو را دید، قبول کرد تا هزینه درمان او را بپردازد به شرط اینکه این آرژانتینی با بارسلونا قرارداد ببندد. مسی در بارسا ماند، رشد کرد و برنده توپ طلای دنیای فوتبال شد.

۲- جیمز بلیک: انحراف ستون فقرات

جیمز بلیک در سن نوجوانی با مشکل انحراف ستون فقرات مواجه و مجبور شد تا پنج سال یعنی از ۱۳ تا ۱۸سالگی کمربند طبی ببندد. دوران حرفه‌ای او تحت‌تاثیر بیماری‌اش قرار گرفته بود و پزشکان در مورد آینده ورزشی‌اش ابهام داشتند اما این موارد باعث نشد تا او بی‌خیال شود. جیمز برای اینکه عضلات کمر و شکمش را قوی کند، تمرینات جسمانی سختی را انجام داد. به محض اینکه پزشک‌ها به او اجازه دادند کمربند طبی‌اش را باز کند، او به زمین تنیس برگشت تا بازی کند. پشتکار او خیلی زود به دراشت.

او در ۲۲سالگی در رتبه بیست‌وششم دنیا قرار گرفت و در تنیس دونفره، قهرمان شد. دو سال بعد او دوباره مجبور شد تنیس را کنار بگذارد. بلیک در یک جلسه تمرینی با سدر به میله کنار تورها خورد و مهره گردنش شکست. سه ماه پس از این واقعه او پدرش را که به سرطان مبتلا شده بود از دست داد. این موضوع تاثیر بدی روی این بازیکن داشت به طوری که او به بیماری زونا (عفونت ویروسی) مبتلا و نیمی از صورتش فلج شد و به سرگیجه هم دچار شد.

او که قبلا ملانکن بود با شجاعت بسیار بر مشکلاتش غلبه کرد و دوباره در سال ۲۰۰۵ به دنیای تنیس برگشت. او راجر فدرر را در رقابت‌های سین‌سیناتی برد و رافائل نادال را هم در یواس اوپن از پیش‌رو برداشت.

شرق: روز شنبه کمیته انضباطی فیفا تشکیل جلسه داد و بدون هیچ ملاحظه‌ای شدیدترین محرومیت را برای محمد بن‌هماد در نظر گرفت. رییس اسبق فدراسیون فوتبال آسیا به اتهام فساد و پرداخت رشوه برای انتخابات ریاست فیفا، برای همیشه از انجام هرگونه فعالیتی در عرصه فوتبال محروم شد. بن‌هماد قطری با این حال گفته بی‌گناه است و برای اثبات این موضوع از هیچ کاری دریغ نخواهد کرد.

■ ■ ■

بالاخره اتهام فساد ثابت شد و فیفا مطابق با انتظار، رای به گناهکار بودن محمد بن‌هماد داد. رییس قطری سابق فدراسیون فوتبال آسیا به جرم پرداخت رشوه از سوی این نهاد انضباطی کارت قرمزری دریافت کرد که معنی آن محرومیت از تمام فعالیت‌های مرتبط با فوتبال آن هم تا پایان عمر است. این رای را کمیته انضباطی فیفا

۳- کلاک: شکستگی مهره ششم گردن

کاکا این روزها پس از هر گلی که می‌زند دستش را به سوی آسمان بلند و از خدا تشکر می‌کند. این موضوع به خاطر اتفاقی است که در سال ۲۰۰۰ برای او رخ داد. این ستاره برزیلی معتقد است «مسیح» شخصی‌ها او کمک کرده تا تبدیل به یکی از بهترین‌های دنیا شود. در اکتبر ۲۰۰۰ کاکا به خانه پدربزرگش در کالداس نواس در مرکز برزیل رفته بود. او که ۱۸ساله بود در کنار استخر مشغول بازی و زمانی‌که از سرسره پایین می‌آمد تعادلش را از دست داد و با سر به دیواره کنار استخر برخورد کرد. شدت مصدومیت چنان زیاد بود که همه پزشکان را نگران کرد. کاکا تا آستانه فلج شدن پیش رفته بود و ممکن بود دیگر هرگز نتواند به فوتبال ادامه دهد، اما پس از مراقبت‌های ویژه این ستاره برزیلی دوباره شروع به راه رفتن کرد و خیلی زود روی فرم آمد. سه ماه پس از آن واقعه کاکا اولین بازی‌اش را با تیم سانپاولولو انجام داد.

او در ۱۴دقیقه در تنیس دونفره، قهرمان شد. دو سال بعد او دوباره مجبور شد تنیس را کنار بگذارد. بلیک در یک جلسه تمرینی با سدر به میله کنار تورها خورد و مهره گردنش شکست. سه ماه پس از این واقعه او پدرش را که به سرطان مبتلا شده بود از دست داد. این موضوع تاثیر بدی روی این بازیکن داشت به طوری که او به بیماری زونا (عفونت ویروسی) مبتلا و نیمی از صورتش فلج شد و به سرگیجه هم دچار شد.

او که قبلا ملانکن بود با شجاعت بسیار بر مشکلاتش غلبه کرد و دوباره در سال ۲۰۰۵ به دنیای تنیس برگشت. او راجر فدرر را در رقابت‌های سین‌سیناتی برد و رافائل نادال را هم در یواس اوپن از پیش‌رو برداشت.

ورزش

مچ‌اندازی

با مرگ

بسیاری از قهرمانان ورزشی

روزهای سختی را

در جدال با مرگ داشته‌اند

سجاد فیروزی



مسی در حال دویدن در زمین فوتبال

شده دستخوش تغییر و تحول شد. این دوچرخه‌سوار آمریکایی امید این رشته در آن برهه به حساب می‌آمد. او در رقابت‌های توردوفرانس درخشیده بود و قهرمانی در رقابت‌های جاده را نیز در کارنامه داشت. سرطانی او خیلی دیر تشخیص داده شد به طوری که به شکم، ریه و مغز او نیز رسیده بود. آزمایش‌های گرفت دست به ریسک زدند و شیمی‌درمانی سختی را تجربه کند، او به شرط اینکه ریه‌هایش سالم بماند حاضر شد. در موسسه «پندینا پاریس» میکال سنتر» در اکتبر و دسامبر ۱۹۹۶ شیمی‌درمانی کند. آنجا او مجبور شد دو عمل جراحی انجام دهد. اولی بیرون آوردن غده سرطانی بود و دومی برداشتن جراحتهایی بود که روی مغزش شکل گرفته بود. آزمایش‌های در دوران نقاهتش موسسه «لایوسترانگ» را تأسیس کرد و آن را به بیماران سرطانی اختصاص داد. او در سال ۱۹۹۸ به پیشتازی دوچرخه‌سواری برگشت و در رقابت‌های پاریس – نیس به میدان رفت. در آن برهه لاس در دور دوم از تور کنار کشید تا خیلی‌ها فکر کنند دوران حرفه‌ای‌اش سپری شده است. «رییس» به آمریکا برگشت و دوباره مورد درمان قرار گرفت. او برگشت و با هفت قهرمانی در توردوفرانس تبدیل به پرافتخارترین دوچرخه‌سوار این رقابت‌های مهم شد.

۵- ژو ویلفرد سونگاکا، مشکلات فتق



کودکان لیونل مسی

رای نهایی فیفا اعلام شد

محرومیت مادام‌العمر برای محمد بن‌همام

بن‌همام به کنفدراسیون فوتبال کاراییب در ترینیداد و توباگو می‌رود و به تکتک اعضای آن پاکتنامه‌ای می‌دهد که حاوی ۴۰ هزار دلار پول نقد بوده است. ناشی‌گری او خیلی زود برملا می‌شود، چراکه اعضای کنفدراسیون کاراییب این موضوع را خیلی زود رسانه‌ای کردند. بن‌همام قطری پس از برملا شدن این موضوع از انتخابات ریاست فیفا کنار کشید و راه را برای سب‌پلاتر باز گذاشت. این اتفاق در شرایطی رخ داد که کلمه فساد آن روزها وارد زبان خیلی‌ها بود. فیفا در آن برهه تصمیم گرفت بن‌همام را هفت هفته محروم کند تا دادگاه او در ماه جولای برگزار

وقتی به زندگی حرفه‌ای سوئنگا نگاه

می‌شود او در قامت تنیسور هیכלی ظاهر شده

که همواره مصدوم بوده است. هیکل درشت او

(یک‌متر و ۸۸سانتی‌متر قد و ۹۰ کیلو وزن)

همان‌قدر که قدرتی به نظر می‌رسد، ضعیف

و شکننده است. در سال ۲۰۰۳، سوئنگا در

رقابت‌های جوانان یواس اوپین، مارکوس

در دسته حرفه‌ای‌ها به میدان رفت، اما درست

در این برهه زمانی بود که مصدومیت‌های

(مچ پا، انگشت و زانو) او شروع شد و مانع

بزرگی بر سر پیشرفت او به وجود آمد. در

اواخر سال ۲۰۰۴ بود که پزشک‌ها تشخیص

دادند، او فتق دارد و نمی‌تواند به عنوان

تنیس‌باز حرفه‌ای در میدان ظاهر شود. او

با این حال با غلبه بر مشکلاتش در ماه مارس

۲۰۰۵ دوباره برگشت و خیلی زود به علت

آسیب‌رسیدن به زردپی کتفش مجبور به

ترک زمین شد. دوران کلبوس‌وار او در سال

۲۰۰۶ به پایان رسید؛ سال بعد او پرفترت

ظاهر شد و در رقابت‌های گرنداسلم نتایج

خوبی به‌دست آورد. سال ۲۰۰۸ او کار را

روایی شروع کرد و با شکست دادن اندی

ماری و رافا نادال به فینال گرنداسلم استرالیا

رسید اما باز هم مصدومیت او این‌بار زانو

راستش را به تیغ جراحان سپرد تا قسمتی

از مینیسکس را در بیاورند. سوئنگا از همین‌رو

سایر تورنمنت‌های مهم را در آن سال از

دست داد. با این حال او دوباره بر مشکلاتش

غلبه کرد و حالا دوباره در زمره برترین‌های

دنیا تنیس قرار گرفته است.

۶- فرانک بری، تضادف اتومبیل

فرانک بریری خیلی زودتر از زمانی که

تصور می‌شد با سانحه مواجه شده، ستاره تیم

بایرن‌مونیخ و تیم ملی فرانسه در دو سالگی

از مرگ نجات یافت. پدر بریری برای اینکه

تضادف نکند به شدت و با تمام قوا روی پدال ترمز فشار می‌آورد

و فرانک که روی صندلی بغلی او بود و کمربند ایمنی را هم نبسته

بود با سر توی شیشه جلو اتومبیل رفت. ضربه‌ای که به او وارد

شد «ضربه مغزی» در پی نداشت و برای او جراحتهایی روی

صورتش گلاشت که هنوز از آنها به عنوان «بادگاری» نام می‌برد.

به رغم اینکه این جراحته‌ها لقب «صورت زخمی» را برایش در

پی داشت، او هرگز حاضر نشد صورتش را جراحی کند بلکه

به رنکس، آنها را جزیی از هویش قلمداد کرد. البته او ۲۰سال پس

از آن تضادف به خاطر سرعشت لقب «فراری بری» و به خاطر

استعدادش لقب «قیصر فرانک» را دریافت کرد.

۷- آلبرتو کونتادور، تشکیل لخته خون روی مغز

در دنیای دوچرخه‌سواری هر موقع صحبت از معجزه

می‌شود همه نام آزمایش‌ترانگ را به زبان می‌آورند. با این حال

قهرمان دیگری هم هست که به نوع معجزه‌آسایی از مرگ

گریخت؛ آلبرتو کونتادور، قهرمان توردوفرانس. این دوچرخه‌سوار

اسپانیایی در ماه می ۲۰۰۴ در تور اتریش دچار سانحه شد. او در

حین دوچرخه‌سواری شتخ می‌کند و به شدت زمین می‌خورد.

بر اثر شدت ضربه آروراهش می‌شکند و از همه بدتر اینکه از

هوش می‌رود. پزشک‌ها سریع به او رسیدگی می‌کنند و دوباره او

را به زندگی بر می‌گردانند. با این حال او سه هفته به کما می‌رود

و پزشک‌ها تشخیص می‌دهند که لخته خونی در عروق مغز او

تشکیل شده است. آنها این دوچرخه‌سوار را برای برداشتن این

لخته خونی مورد عمل جراحی قرار می‌دهند و او را از کما خارج

می‌کنند. آلبرتو خیلی زود به دنیای دوچرخه‌سواری بر می‌گردد

و چند ماه بعد تورنمنت‌های مهمی را می‌برد. او در حال حاضر

هم برای دفاع از عنوان قهرمانی‌اش در توردوفرانس می‌جنگد.

دهگانه

۱۰ پیراهن زیبای فصل ۲۰۱۲–۲۰۱۱

بخشی از جذابیت‌های فوتبال همواره به خاطر پیراهن بازیکنان و شماره‌هایی است که می‌پوشند. در مطلب امروز به معرفی ۱۰ پیراهن زیبای فصل ۲۰۱۲–۲۰۱۱ می‌پردازیم.

■ ■ ■

۱۰ – لاتزیو، پیراهن خانگی

شرکت «پوما» سعی کرده برای پیراهن فصل جدید لاتزیو سنتن این باشگاه را حفظ کند و تغییرات کمی در آن اعمال کند. آنها توجه داشته‌اند تا این

پیراهن زیاد شلوغ نشود و تجربه تلخ پیراهن تیم ملی ایتالیا هم برای پوما تکرار نشود.

۹ – پالمیراس، پیراهن خارج از خانه

نوارهایی که آدیداس برای پیراهن پالمیراس طراحی کرده چندان بی‌شباهت به پیراهن تیم ملی فرانسه در جام‌جهانی ۲۰۰۶ نیست. بسا این حال همخوانی رنگ سبز روی شانه با خطوط میانی این پیراهن به آن جلوه‌ای ویژه داده است.

۸ – هامبورگ، پیراهن خانگی

موضوع عجیبی که در این پیراهن به چشم می‌خورد این است که آدیداس به طرز ناشیانه‌ای تلاش کرده تا پیراهن هامبورگ را شبیه به پیراهن فصل‌آخر تیم لیون کند. جونیئینو برزیلی را در تیم

لیون به خاطر دارید؟

۷ – بارسلونا، پیراهن خانگی

در تیم بارسلونا انقلابی به وجود آمد. این تیم از این پس با اسپانسر «هوسنس قطر» که روی پیراهنش حک شده در میدان‌ها ظاهر می‌شود. با وجود این تغییر شرکت «ایک» تلاش کرده با خطوط عمودی

رئز به پیراهن بارسا جلوه بیشتری دهد.

۶ – پاری سن‌ژرمن

تیم فوتبال پاری سن‌ژرمن تلاش کرده با طراحی به شیوه قدیم، دوباره روزهای خوب گذشته را تداعی کند. طراحی پیراهن‌های جدید به گونه‌ای است که نام اسپانسر این باشگاه دیگر مکلفی

تعریف شده دارد و توی ذوق نمی‌زند.

۵ – چلسی، پیراهن خانگی

پیراهن جدید چلسی هم تغییرات عمدادی داشته است؛ دیگر خبری از نوارهای سر آستین نیست و نوارهای پهنی به صورت افقی به این پیراهن جلوه‌ای تازه داده‌اند. چلسی با این پیراهن‌های جدید شاید شوکی هم به بازیکنانش بدهد.

۴ – کورینتیانس، پیراهن سوم

شرکت نایک طرح به نسبت مشابه‌ای را در سال ۲۰۱۱ برای تیم اینتر زد که چندان به چشم نیامد؛ اما این بار طرح جدید پیراهن کورینتیانس به نظر جلوه وریزه‌ای دارد و مورد توجه بسیاری از تماشاگران قرار گرفته است.

۳ – اورتون، پیراهن سوم

این پیراهن اورتون بیش از آنکه شبیه به پیراهن یک تیم فوتبال باشد شبیه به تی‌شرت‌هایی است که می‌توان آن را با یک جین پوشید؛! شاید همین خاص بودن است که موجب شده طرفداران دواتیشه اورتون از آن استقبال کنند.

۲ – میلان، پیراهن خانگی

خط‌های باریک و عمودی پیراهن میلان در این فصل تقریبا این پیراهن را بی‌نقص جلوه داده است. میلانی‌ها به یاد زمانی که گولیت و فان بالستن چنین پیراهن‌هایی را به تن می‌کردند طرح جدید لباس‌هایشان را تغییر دادند.

۱ – باستیا، پیراهن خارج از خانه

اگرچه تیم باستیا در لیگ دو فرانسه بازی می‌کند اما با ناواری جدیدی که در پیراهنش به وجود آورده نشان داده که می‌خواهد به لیگ یک صعود کند. این پیراهن اگرچه به نظر تقلیدی از پیراهن تیم سامپودریا باشد اما طراحی خاصش باعث شده تا در زمره زیباترین‌ها باشد.